

# استفاده ابزاری انگلستان و روسیه از توسعه پزشکی و بهداشتی در ایران دوره قاجاریه برای بسط نفوذ سیاسی و اقتصادی

محسن گنج‌بخش زمانی<sup>۱</sup>

## چکیده

در موارد متعددی انگلستان و روسیه با استفاده از ابزار بهداشت و پزشکی درصدد بسط نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در ایران برمی‌آمدند. این مداخلات از ورود میسونرهای مذهبی به‌عنوان پزشک و با هدف تبلیغ مذهبی گرفته تا اشغال جزایر خلیج فارس در جنوب ایران و یا تصاحب برخی اماکن و بیمارستان‌ها در شمال ایران به بهانه برقراری قرنطینه‌های بهداشتی را شامل می‌گردید؛ البته این موارد از جمله موضوعاتی است که حتی در متون علمی - تاریخی مکتوب نیز مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. به‌طور مشخص یکی از مهم‌ترین شاهد مثال‌ها کتاب تاریخ پزشکی ایران به قلم سیریل الگود انگلیسی است که با وجود اطلاعات ارزشمندی که در اختیار خواننده قرار می‌دهد، دارای موضع‌گیری‌های اغراق‌آمیزی در خصوص نقش و تأثیر مثبت انگلیسی‌ها در تحولات پزشکی و بهداشتی ایران است. البته پر مسلم است وقتی تحولات تاریخی یک کشور به دست نویسندگان خارجی نوشته می‌شود به هر تقدیر قضاوت‌های شخصی خالق متن در مکتوب وی نیز متجلی می‌گردد.

در این نوشتار پس از بیان خلاصه‌ای از روند تحولات پزشکی در دوره قاجاریه، چند نمونه از اسناد وزارت امور خارجه ایران که گویای تلاش دو قدرت سیاسی آن دوران برای افزایش ضریب نفوذ آنها در ایران می‌باشد ارائه می‌گردد.

## واژگان کلیدی

اسناد؛ تاریخ پزشکی؛ ایران؛ انگلستان؛ روسیه؛ قرنطینه؛ بهداشت؛ قاجاریه

---

۱. نشانی الکترونیکی نویسنده‌ی مسؤول: [mzamani7@gmail.com](mailto:mzamani7@gmail.com)

## استفاده ابزاری انگلستان و روسیه از توسعه پزشکی و بهداشتی در ایران دورهی قاجاریه برای بسط نفوذ سیاسی و اقتصادی

ورود پزشکی جدید به ایران و تلاش برای جایگزینی آن با طب قدیم

طب جدید در آغاز پس از ورود اروپاییان در عصر صفویه به ایران شناخته شد. اما ورود طبای اروپایی تا دورهی قاجاریه عمدتاً محدود به دربار و به خصوص پادشاهان بود و نمی‌توان از آن به‌عنوان ورود یک پارادایم (الگوی) نوین پزشکی در ایران یاد کرد؛ چرا که صرفاً محدود به تعداد بسیار انگشت‌شماری از طبیبان درباری می‌گردید و این تعداد نیز عموماً در مقاطع زمانی محدودی به کار گماشته می‌شدند، ضمن آنکه بسیاری از آنان با توجه به مقاومت‌های جبهه حکیمان سنتی چندان تاب ادامه حضور در ایران را نمی‌یافتند. به‌عبارت دیگر در آغاز برخی از حکیمان و طبیبان سنتی نه تنها به طب اروپایی اعتقاد نداشتند، بلکه آن را بسیار مضر می‌دانستند.

نخستین پزشکان غربی در سال ۱۰۱۰ هـ.ق. / ۱۶۰۰ م. همزمان با شاه عباس اول (سال ۱۰۱۰ هـ.ق. ۱۶۰۰ م اشاره به همان دوره دارد) به‌عنوان هیئت‌های مذهبی و یا پزشک شرکت‌های هند شرقی انگلیس و هلند به ایران گام نهادند و هر سال بر تعداد آنها افزوده می‌شد، اما رواج نخستین تحولات پزشکی نوین در ایران در حدود دو قرن طول کشید. یک دهه پس از آغاز نخستین دورهی تاریخ پزشکی نوین در سال ۱۲۲۲ هـ.ق. بود که به سبب معاهده فین کنشتاین<sup>۱</sup>، یک هیئت اعزامی از طرف ناپلئون بناپارت به ایران اعزام شد که ژنرال گاردن سرپرست این گروه بود و یک پزشک نیز گروه مذکور را همراهی می‌نمود. اگرچه نام این پزشک مشخص نیست، اما همین اندازه اطلاع در دست است که وی در نفوذ طب

جدید تأثیر قابل توجهی از خود بر جای گذاشت. او در تهران درمانگاهی تأسیس کرد که مورد استقبال مردم قرار گرفت و در اشاعه‌ی طب جدید تأثیر زیادی داشت. اما پس از شکست مأموریت هیئت مذکور از سرنوشت پزشک همراه آن هیئت نیز اطلاعی در دست نیست. (تاجبخش، ۱۳۷۹ش، صص ۱۹۹-۲۰۹)

دوره سلطنت فتحعلیشاه (۱۷۹۷-۱۸۳۴م. / ۱۲۱۲-۱۲۵۰ه.ق.) مصادف با ظهور امپراتوری ناپلئون بناپارت در فرانسه، سلطه کامل انگلستان بر هندوستان به‌وسیله‌ی کمپانی هند شرقی و زیادت‌خواهی‌های ارضی روسیه بود که در نهایت کشور را در یک فرایند فرسایشی تقابلی نظامی با روس‌ها قرار داد که نتیجه آن از دست رفتن سرزمین‌های بسیار و البته ظهور نوعی آگاهی نسبت به عقب‌ماندگی و انحطاط در ایران البته به‌صورت نسبی بود. جمله معروف عباس میرزا<sup>۲</sup> (۱۲۰۳-۱۲۴۹ه.ق.) خطاب به مستشار فرانسوی مبنی بر اینکه «ای خارجی به من بگو چه کنم!»<sup>۳</sup> خود نقطه عزیمتی شد که پس از آن نگاه به اروپا، نگاهی توأم با چرایی و مقایسه گردید که متعاقب آن ما شاهد حضور گسترده مستشاران نظامی و غیرنظامی به‌خصوص فرانسوی و انگلیسی در ایران می‌باشیم که به همراه این هیئت‌ها طبعاً پزشکانی نیز حضور داشتند که از جمله مهم‌ترین آنها دکتر کورمیک (Cormick) طبیب مخصوص عباس میرزا بود. در کنار این رشد اندک حضور مستشاران خارجی اتفاق مهم دیگر اعزام محصل به اروپا برای تحصیل در رشته‌های مختلف علمی بود که در همان نخستین گام‌ها در سال ۱۲۲۶ه.ق. عباس میرزا نایب‌السلطنه ایران و سپس محمدشاه قاجار هر یک چند نفر را برای تحصیل به انگلستان فرستادند. در این راستا شخصی به نام حاجی میرزا بابای تبریزی از اهالی آذربایجان جزء اولین دسته محصلین اعزامی جهت تحصیل طب به انگلستان بود که نامبرده پس از مراجعت در سال ۱۲۳۴ه.ق. به سمت پزشک مخصوص

عباس میرزا و سپس محمد شاه، در دربار مشغول خدمت شد و مخصوصاً به علت بیماری مزمن نقرس محمدشاه وجودش در دربار مغتنم بود. از محصلین دیگری که به خارج اعزام شده بودند یکی به نام بهرام خان دکتر بود که پس از بازگشت در تبریز به طبابت پرداخت و دیگری ملامحمد قبلی یا حکیم قبلی بود که یک پای مصنوعی داشت و کتابی در باب امراض و درمان آنها تهیه کرد که در زمره‌ی اولین کتاب‌های طبی است که در این زمان به زبان فارسی منتشر شده است.» (هدایتی، ۱۳۸۱ش، صص ۳۲-۳۳)

دکتر مک نیل (McNeill) انگلیسی که موفق شده بود علیرغم کارشکنی‌های طبای سنتی دربار، تاج‌الدوله همسر محبوب فتحعلیشاه را معالجه نماید، رفته رفته به‌عنوان طبیب رسمی حرم و سایر افراد خاندان سلطنت مطرح گردید. عباس میرزا نیز خود از پیشگامان اعتقاد به برتری طب غربی بود. در این سال‌ها دکتر کورمیک در تبریز اقامت داشت و در موارد لزوم شاهزاده را تحت درمان قرار می‌داد. (الگود، ۱۳۷۱ش، ص ۵۰۸)

علیرغم اعتقاد خاص عباس میرزا به لزوم انطباق شؤون نظامی، اجتماعی و علمی کشور با پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی جدید اروپا، مرگ، فرصت تحقق این خواسته‌ها را از وی ربود و سیر تحولات پزشکی نیز با روندی کند و تنها منحصر به حضور و تعامل طبای اروپایی معتقد به طب جدید و حاضر در دربار پادشاهان گردید.

در دوره‌ی محمدشاه (۱۴ دی تا ۱۴ شهریور ۱۲۲۷ش) نیز پزشکان اروپایی و به‌خصوص انگلستان در ایران حضور فعال داشتند و گهگاه حضور آنها نیز صرفاً برای طبابت معنا پیدا نمی‌کرد؛ بلکه آنها مستقیماً در حوزه‌های سیاسی نیز دخالت

می‌نمودند که البته این اختیارات وسیع از جانب دولت‌های متبوع آنان ابلاغ می‌گردید.

عهده‌داری سمت‌های سیاسی توسط پزشکان انگلیسی در ایران سال‌ها بود که انجام می‌گرفت، اما این مهم روز به روز ابعاد گسترده‌تری می‌یافت تا اینکه به‌عنوان نمونه در دوره‌ی سلطنت محمدشاه، مک نیل توسط حکومت بریتانیا به مقام سفارت در دربار تهران ارتقا یافت و البته این امر نیز موجب خرسندی محمد شاه نیز گردید، چرا که وی دوست پدرش عباس میرزا و مورد اعتماد پدربزرگش یعنی فتحعلیشاه بود. به‌علاوه وی فارسی را خوب حرف می‌زد و با آداب و رسوم درباری و با رفتار حکام ایالتی و نیز با اوضاع جاری سیاست دولت روس کاملاً آشنا بود.

در این میان رقابت‌های کشور روسیه نیز قابل تأمل بود. به‌عنوان مثال هنگامی که دکتر ریچ (Riach) انگلیسی از سمت خود به‌عنوان پزشک شاه محروم شد... سفیر روس موقع را مغتنم شمرد که پزشکی را به نام مارتینگو (Martingo) که قبلاً پزشک ظل‌السلطان بود و بعداً به خدمت دولت روس درآمده بود حضور شاه معرفی کند. مقصود سفیر روس به‌طور آشکار این بود که پزشک سفارت انگلیس را از سمت مورد اعتمادی که در دربار شاه داشت برای همیشه کنار بزند، اما در این موقعیت نامناسب دکتر ریچ بیمار شد و ناچار گردید برای درمان به چشمه‌های آب گرم تفلیس متوسل شود؛ از این‌رو دکتر مک نیل، دکتر بل (Bell) را از تبریز احضار کرد و به جای دکتر ریچ گماشت. اقدامات دسته جمعی آنان با موفقیت قرین شد و دکتر مارتینگو موفق به کسب موافقت شاه نگردید. (همان، صص ۵۳۱-۵۳۵)

با وجود افزایش کمی پزشکان خارجی در ایران و نیز ارتقای سطوح اعتقاد عمومی شاه و درباریان به این پزشکان، ما همچنان به لحاظ گفتمان حاکم بر جامعه‌ی آن روز شاهد مقاومت شدید طب سنتی در برابر طب جدید هستیم. در واقع بسیاری از پیروان طب قدیم اساساً نه تنها به طب اروپایی اعتقاد نداشتند، بلکه حتی آن را مضرّ هم می‌دانستند. (حفیظی، ۱۳۳۲ش، ص ۲۶) از جمله این اشخاص شخصی بود به نام ملک‌الطباء، معروف به حاجی بابا شیرازی که معاصر فتحعلیشاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه بود و روش طب فرنگی را به کلی مردود و داروهای جدید را مضرّ می‌دانست و شدیداً طرفدار طب قدیم یا سنتی ایران بود. این سبک طبابت، براساس کتاب‌های قدیمی کلاسیک آن زمان تدریس می‌شده و در درمان بیماران، داروهای گیاهی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. (هدایتی، ۱۳۸۱ش، ص ۳۳)

اما در این رهگذر تأسیس دارالفنون یک نقطه‌ی عزیمت تاریخی بسیار مهم در انتقال جامعه ایرانی از رویکرد سنتی به رویکرد جدید در قبال علوم مختلف و از جمله پزشکی بود.

علاوه بر تأثیر مدرسه‌ی دارالفنون بر رشد علم پزشکی در ایران، تشکیل مجلس حفظ الصحه نیز یکی از عوامل بهبود اوضاع بهداشتی در ایران بود. اما به همان اندازه اوضاع بهداشتی ایران و اقدامات انجام شده در هنگام بروز بیماری‌های واگیردار در شهرهای مختلف می‌تواند خود گویای جایگاه و تأثیرات پزشکی جدید در جامعه ایرانی باشد. بعد از آنکه مدرسه‌ی دارالفنون به‌عنوان نخستین نهاد برای بهره‌گیری از پزشکی جدید و توسعه این رویکرد جدید برآمده از علم و دانش عصر جدید، تأسیس گردید، در گام بعدی و پس از شیوع انواع بیماری‌های واگیردار در شهرهای مختلف ایران نیاز به تأسیس یک نهاد بهداشتی فراگیر تحت

عنوان «هیئت صحیه» یا «مجلس صحت» احساس شد که متعاقب آن کلیه پزشکان مشهور ایرانی و پزشکان خارجی مقیم ایران (از جمله پزشکان سفارت‌خانه‌های مقیم ایران) به ریاست دکتر تولوزان (Tholozan) که طبیب مخصوص شاه نیز بود گرد هم جمع شدند و این مجلس را (۱۸۸۷م.) بنا نهادند. روس‌ها نیز در موارد متعددی با زبان آمرانه، اهداف سیاسی، اقتصادی و... خود را با استفاده از ابزار بهداشت و کنترل بیماری‌ها پیش می‌بردند. این دخالت‌ها که در سال‌های اشغال ایران در اثنای جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م.) به اوج خود رسید ابعاد مختلفی را دربر داشت.

روس‌ها در موارد متعددی بر امر انتصاب مقامات بهداشتی و پزشکان اعزامی مأمور به مناطق شمالی ایران نظارت و دخالت می‌نمودند، به‌خصوص آنکه احساس می‌کردند این مقامات به زعم آنها دارای گرایش‌های انگلیسی می‌باشند. زبان آمرانه روس‌ها در وادار نمودن مقامات مسؤول ایرانی به برقراری یا رفع قرنطینه‌ها از جمله دیگر موارد دخالت آنها در امور بهداشتی ایران بود.

اشغال برخی از اماکن عمومی توسط روس‌ها نوع دیگری از مداخلات و زیادت‌طلبی‌های روس‌ها در ایران بود که عموماً مورد اعتراض دولت ضعیف ایران قرار می‌گرفت.

برخی اسناد، حکایت از عاملیت خود روس‌ها در شیوع و انتقال بیماری‌های واگیردار در مناطق شمالی ایران دارد که در این پژوهش ارائه می‌شود.

دولت انگلستان نیز در موارد متعددی به بهانه استقرار قرنطینه در خلیج فارس، درصدد بود تا می‌تواند حوزه‌ی قلمرو سیاسی خود را در این مناطق توسعه بخشد. نمونه‌ی بارز از این مدعا اسنادی است که نمایانگر دعوی ایران با این دولت در قطع ید دولت انگلستان از جزیره هنگام (واقع در خلیج فارس) بود؛ آنها به بهانه

استقرار قرنطینه در آن جزیره خواهان تداوم حضور حداکثری خود و حتی تجزیه آن از خاک ایران بودند.

در این نوشتار، برخی اسناد مربوط به مطالب مطرح شده به طور مستند ارائه شده است.

### تقابل مردم بوشهر با انگلیسی‌ها در جریان برقراری قرنطینه‌ها در بوشهر

بندر بوشهر یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری، سیاسی و فرهنگی و همچنین به‌عنوان مرکز ثقل امور سیاسی خلیج فارس تا اواسط قرن بیستم به‌شمار می‌آمده است. (الگود، ۱۳۵۷ش، ص ۱۸)

به‌صورت کلی، نفوذ بریتانیا در خلیج فارس که از سال ۱۸۸۲ میلادی شروع شد تا سال ۱۹۴۷ میلادی تداوم یافت. بوشهر که محل استقرار نماینده سیاسی مقیم انگلیس بود، به گفته‌ی دنیس رایت (Dennis WRIGHT) او همچون یک ساتراپ یا نایب‌السلطنه از جانب دولت بریتانیا در منطقه خلیج فارس عمل می‌کرد و نماینده‌ی مقیم انگلیس همچون سلطان بی‌تاج و تخت قلمداد می‌شد. اما متأسفانه شرایط بهداشتی و سیمای سلامت در این بندر سیاسی و اقتصادی فارس در این دوران بسیار اسفناک و مشابه مابقی شهرهای ایران بود. (نبی‌پور، ۱۳۸۶ش، ص ۸۱)

ایرج نبی‌پور همچنین در کتاب خود «پیش‌درآمدی بر تاریخ پزشکی خلیج فارس» به نقل از فلور (Floor) بوشهر را در این زمان بدین‌گونه ترسیم می‌نماید:<sup>۱</sup>

«هیچ سازمانی به سلامت عمومی رسیدگی نکرده و سلامت مردم به حال خود رها شده بود. شهرها شلوغ و بسیار بد ساخته شده و فاقد خیابان (به‌جز گذرگاهی در میان خانه‌ها) بودند. در داخل شهرها به‌جز آب انبارهای خانه‌ها منبع آب دیگری وجود نداشت و حفظ و نگهداری آب مورد نیاز شامل فرایندهای

ابتدایی بود. پس مانده‌ها و فاضلاب، چه با منشأ حیوانی و چه انسانی، به صورت غیرقابل تمایز از یکدیگر در کوچه‌های خاکی که شبکه‌ی ترافیکی سرتاسر شهر را تشکیل می‌دادند؛ ریخته یا پرتاب می‌شدند. بسیاری از خانه‌ها خروجی فاضلاب خود را به درون این کوچه‌ها باز می‌کردند... هیچ ثبت مرگ و میر و تولدی انجام نمی‌شد.» (فلور، ۲۰۰۴م، ص ۳۶)

تحت این شرایط بهداشتی و فقدان زیرساخت‌های پزشکی، خلیج فارس شاهد هجوم اپیدمی بیماری‌های مهم عفونی و مسری بود. طی سال‌های ۱۸۲۰م. تا ۱۹۰۳م، کشور ایران شاهد هفت اپیدمی عمده وبا بود. در سال ۱۸۲۱م، وبا در خلیج فارس خود را نشان داد. از طریق شیراز به اصفهان گذر کرد و بیماری به مدت دو سال در مرکز ایران پابرجا ماند و سپس از طریق استان‌های دریای مازندران به روسیه رخنه کرد. در اپیدمی ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۰م، بنادر خلیج فارس آلوده شدند و این بیماری سراسر ایران را درنوردید و طی دو سال خود را از طریق دریای مازندران به اروپا رساند. در طول این اپیدمی، دو هزار نفر در شوشتر فوت کردند، اما اقدامات مناسب جراح مقیم بریتانیا موجب شد که بیماری در بوشهر گسترش پیدا نکند. (لوریمر، ص ۸۸)

پس از یک توافق‌نامه با دولت ایران در سال ۱۸۹۷م، خدمات قرنطینه‌ای خلیج فارس توسط حکومت هندوستان تأمین می‌شد که متصدیان پزشکی خود را در صدر پنج ایستگاه قرنطینه‌ای خلیج فارس گماشته بود. این قرنطینه‌ها دارای تجهیزات ضد عفونی در بوشهر، محمره، بندر عباس، لنگه و جاسک بودند. اعضای از خدمات پزشکی هندوستان، کادر ایستگاه‌ها را تشکیل می‌دادند و توسط پزشک «مقیمی بوشهر» نظارت می‌شدند، ولی حقوق آنها از طریق دولت ایران پرداخت می‌شد. آنها هیچ مسؤولیتی در مورد سلامت عمومی شهری که ایستگاه

در آن مستقر بود نداشتند، هر چند دواخانه‌های بریتانیایی در بوشهر و بندر عباس (از سال ۱۹۰۶م.) وجود داشتند؛ اما امکاناتی برای توقف اعراب گریزان از اپیدمی‌های آن سوی خلیج فارس به سوی سواحل ایرانی نداشتند. سرپرستی امور پزشکی با بوشهر بود، اما دو پزشک نیز در آنجا بودند. این سرپرستی به شورای حفظ الصحه گزارش می‌داد. این حقیقت که مسلمانان ایرانی مجبور بودند تأییدیه بهداشتی از پزشکان بریتانیایی بگیرند موجب رنجش می‌شد و حتی موجب تظاهرات ضد بریتانیایی در سال ۱۸۹۹م. در بوشهر گردید. از این رو جای شگفتی نیست که در سال ۱۹۲۸م.، رضا شاه نظارت بر سیستم قرنطینه‌ای خلیج فارس را از بریتانیا گرفت.

بهترین توصیف برای بیان چگونگی سیستم قرنطینه‌ای، وضعیت قرنطینه در بوشهر است؛ جایی که اکثر سیاحان اروپایی به آنجا سفر می‌کردند و ناگزیر بودند که مدیریت آن را تجربه کنند. از آنجا که حکومت «هند - بریتانیا» وکالت مسؤولیت نگهداری و مدیریت سیستم قرنطینه‌ای خلیج فارس را به‌عهده داشت، جراح مقیمی انگلیس در بوشهر، متصدی سلامتی بندر بود، اما تقویت و حمایت از مقررات قرنطینه‌ای، از وظایف مسؤولین گمرکات بوشهر محسوب می‌شد. ایستگاه قرنطینه‌ای در جزیره عباسک در «خور» منتهی به بوشهر قرار داشت.

نظارت قرنطینه‌ای در عرشه کشتی انجام می‌شد. کشتی‌های طاعون‌زده مجبور بودند تا پرچم زردرنگی را برافراشته کنند؛ از لنگرگاه به بوشهر یک ساعت راه بود. در ابتدا، ده روز قرنطینه برای کشتی‌ای که از کراچی می‌آمد اعمال می‌شد، ولی از اوایل ۱۹۰۷م. به نصف تقلیل یافت. کشتی‌های تجاری سریع‌السیر، چهار

روز سفر می‌کردند، از این‌رو، یک یا یک روز و نیم روز برای توقف در جزیره قرنطینه‌ای، پیش از کسب اجازه برای ورود به بوشهر، کافی بود.

برادلی (Bradley)، اقامت‌اش را در آنجا، «عالم برزخی» توصیف کرد. ایستگاه قرنطینه‌ای ساختمانی بود که به شتاب ساخته شده، اما حقیقتاً تمام امکانات لازمه‌ی یک اقامت کوتاه و اجباری را داشت. دو ایرانی از کارکنان آنجا بودند. برای مسافران آسیایی، کلبه‌هایی وجود داشت؛ اما ساختمانی دیگر به‌جز یک کوره‌خانه برای از بین بردن البسه طاعون‌زدگان وجود نداشت. برای فرد اروپایی، معاینه پزشک تشریفاتی بود، ولی برای مسافران آسیایی مسامحه‌کاری بسیار بود. همچنین تفاوت رفتار میان انگلیسی و غیرانگلیسی، موجب برانگیختن دکتر ویلمورین (Vilmorin) در سال ۱۸۹۵م. شد، یعنی هنگامی که متوجه شد حاکم ایرانی، بندر را به روی تمام کشتی‌ها از جمله ایرانی مسدود نموده، اما کنسول بریتانیا به کشتی‌ای انگلیسی اجازه ورود می‌داد.

در سال ۱۸۹۹م. به دلیل رخداد طاعون (بیماری که تا آن تاریخ ناشناخته بود و ترسی از آن موجود نبود) سیستم قرنطینه‌ای تحت اتهام قرار گرفت و آشوبی در بوشهر رخ داد. از این‌رو، مردم از مقررات بهداشتی منزجر شدند؛ مقرراتی که بیشتر برای آنان یک تحمیل محسوب می‌شد تا اینکه مورد علاقه آنان باشد. (اردمیر، ۲۰۰۳م.، صص ۴۲-۴۴)

در سال ۱۳۱۷هـ.ق. مردم بوشهر در طی یک شورش مردمی در مقابله با عملکرد انگلیسی‌ها قرار گرفتند. آنها به شدت به برقراری قرنطینه در این شهر اعتراض داشتند که مهم‌ترین مصداق اعتراض آنها وجود نوعی تبعیض در میان ایرانیان و اتباع خارجه در تبعیت از قوانین و دستورالعمل‌های قرنطینه‌ها بود که خود این دستورالعمل‌ها از طرف انگلیسی‌ها وضع می‌گردید. در واقع با توجه به اینکه

انگلیسی‌ها همواره در جنوب ایران حضوری اقتدارطلبانه داشتند، سابقه‌ی منفی حضور این قدرت استعماری به‌خصوص در سرزمین‌های جنوبی ایران، بسیاری از اقدامات سیاسی و غیرسیاسی آنان را تحت‌الشعاع قرار می‌داد و عموم مردم با نگاهی بدبینانه به عملکردهای آنان می‌نگریستند. البته باید به این عوامل دخالت‌های آشکار قدرت‌های خارجی آن روزگار را نیز افزود. بنابراین گفتارهای اغراق‌آمیز سیریل الگود نویسنده کتاب تاریخ پزشکی ایران مبنی بر انجام خدمات گسترده‌ی انگلیسی‌ها در امور بهداشتی و پزشکی ایران قابل نقد و بررسی بیشتر است. در این خصوص اسناد قابل توجهی گویای استفاده‌ی ابزاری دولت‌های روس و انگلیس از مسأله‌ی بهداشت در ایران می‌باشد که پس از ذکر اسناد مربوط به شورش‌ها و اعتراضات مردم بوشهر در قبال عملکرد انگلیسی و رفتارهای تبعیض‌آمیز آنها نسبت به افراد عادی جامعه دربارهی دخالت قدرت‌ها در امور بهداشتی ایران و همچنین تبیین برخی از انگیزه‌های آنان در این بخش ارائه می‌شود:

#### [سند شماره ۱]<sup>۵</sup>

[موضوع سند: گزارش واثق الملک درباره‌ی ابعاد و کیفیت شورش مردم در بوشهر بر علیه ترتیبات قرنطینه‌های ایجاد شده به‌وسیله‌ی انگلیسی‌ها]:

۲۰ شهر ربیع‌الاول ۱۳۱۷

خلاصه راپرت آقای واثق الملک [.]. شورش بنادر بوشهر...

در خصوص آشوب و بلوا حالیه هر روز وقوعات را تلگرافاً به عرض رسانید در این چند روزه به نصایح با وجود این همه اتفاق و استعداد و کافه اهالی شهر و جلوگیری از تولید فتنه‌های بزرگ‌تر شده است فعلاً منتظر هستند جوابی در

موقوف داشتن ترتیبات قرآنتینه و عدم مداخله حکمای انگلیس مرحمت شود و الا احتمال وقوع آشوب می‌رود [۰]. انگلیسی‌ها خیلی از این بلوا اضطراب دارند [۰]. شیخ اهل تسنن هم با علمای شیعی متفق و در مسجد مجتمع‌اند [۰]. دریابییگی هر چه سعی نمود که علما و اهالی را متفرق سازند ممکن نشد [۰]. انتظار اوامر ملوکانه را دارند [۰]. هرگاه یک روز دیگر جواب علما با تأخیر می‌شد عمارت تلگراف خانه را خراب می‌کردند [۰].

روز دوم بلوی [بلوا] مستر کالسکن ویس قونسول بالیوزکری در حین رفتن و عودت از چهار برج چند نفر از اطفال نسبت به او بی‌احترامی کردند - فوراً فرستادند و اطفال را مانع گردیدند و بحمدالله این چند روز جلوگیری شده است [۰].

#### [سند شماره ۲]<sup>۶</sup>

[موضوع سند: تأکید بر عدم اعمال تبعیض در برقراری قرنطینه‌ها و لزوم تعیین اماکنی برای قرنطینه کلیه مسافران بدون توجه به پایگاه طبقاتی آنان]:  
جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیق افزا می‌گردد در ضمن مذاکرات اخیر در خصوص وضع مختلفی که نسبت به اروپایی‌ها و ایرانیان رفتار می‌شود به جناب مستطاب اجل عالی اظهار داشتیم که به اعتقاد دوستدار خوب است که نسبت به اروپایی‌ها و ایرانی‌ها در عمل قرآنتینه به نحو نیک رفتار شود و کسی را رجحان ندهند چنانچه بجناب مستطاب اجل اطلاع داده‌ام سختی اجرای تنظیمات قرآنتینه در حق مسافری اروپایی و ایرانی درجه در این است که هنوز جا و محل برای این طبقه مسافر معین نشده است [۰]. جناب مستطاب اجل عالی به دوستدار اظهار فرمودند که فوراً به کارگزاران بوشهر حکم خواهد شد که جا و مکان لازمه این کار را تهیه کنند. متمنی است محبت فرموده

به دوستدار اطلاع دهند که چه اقدامی از طرف حکومت برای اجرای این حکم به عمل آمده است. نظر به اینکه در بصره و سواحل مکران وبا بروز کرده است مجدداً خاطر جناب مستطاب اجل را متذکر می‌سازد که لازم است تسهیل کار طبای بوشهر را فراهم آورند که بتوانند تنظیمات قرآنتینه را مجری بدارند از همه اهم‌تر این است که تهیه جا و مکان برای تمام طبقات مسافرین بنمایند [۰]. فی ۲۰ شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۱۷

استفاده ایزاری انگلستان و روسیه از توسعه پزشکی و بهداشتی در ایران...

بسم الله الرحمن الرحیم  
 در ضمن مکاتبات اخیر، در خصوص وضع مشرفینت بار و بانها و اربانبان در بوشهر  
 آنجا در مقام و جفا در سند و بابت کتبت با بانها و اربانبان در بوشهر  
 و ک در چنان نرسند چه چیز بنسبت بر اوضاع و احوال و امور آنجا  
 در بوشهر و اربانبان در بوشهر و اربانبان در بوشهر  
 مستجاب بفرستد به سند در بوشهر که در آنجا بکارگزاران بوشهر  
 در بوشهر و اربانبان در بوشهر و اربانبان در بوشهر  
 از طرف حکومت برای اجرای این حکم در بوشهر  
 و اربانبان در بوشهر و اربانبان در بوشهر  
 که در بوشهر و اربانبان در بوشهر و اربانبان در بوشهر  
 نیست و تهیه مکان بفرستد طبقات مسافرین بنمایند  
 در بوشهر و اربانبان در بوشهر و اربانبان در بوشهر

[سند شماره ۳]<sup>۷</sup>

[موضوع سند: درخواست ساخت هر چه سریع‌تر ساختمان قرنطینه در بوشهر و از میان برداشتن تبعیض در میان مردم]:

سواد تلگراف رمز وزارت خارجه به واثق الملک کارگزار بوشهر

نمره ۵۴۹ فی ۲۲ شهر جمادی الثانی ۱۳۱۷

تلگراف رمز شما در خصوص عدم انتظام قرانتین رسید [۰]. به توسط خود شما به جناب دریاییگی تلگراف شد که سعی نموده هر چه زودتر عمارت قرانتین بنا نمایند که استثناد از میان برداشته شود [۰]. البته همین که شروع به ساختن این عمارت شد فوراً اطلاع بدهند.

(مشیرالدوله)

[سند شماره ۴]<sup>۱</sup>

[موضوع سند: انعکاس خبر منتشره در روزنامه روسی مبنی بر تلاش انگلیس جهت احداث یک بیمارستان متحرک با هدف رقابت با روسها و دلربایی از مردم]:

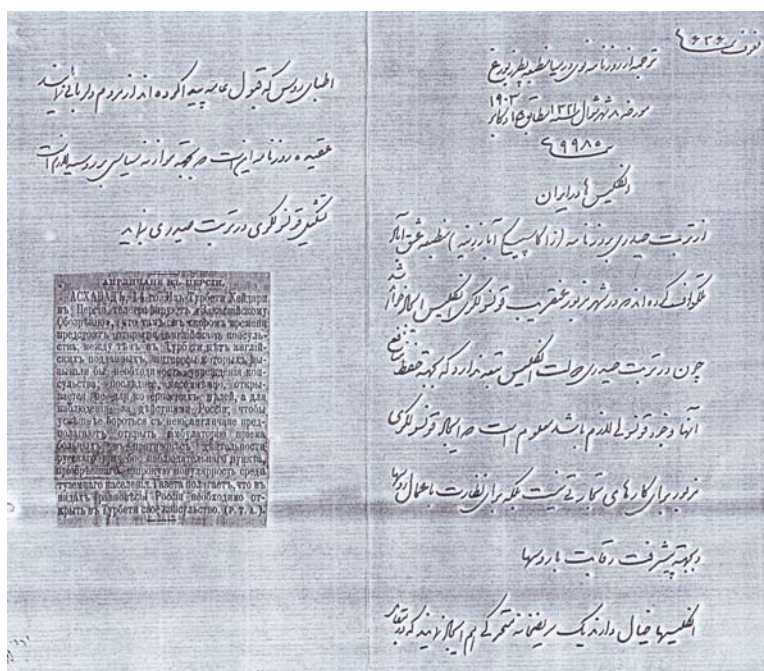
ملفوف نمره ۶۳۶ ترجمه از روزنامه نوی ورمیا منطبعه پترزبورغ

مورخه ۸ شهر شوال سنه ۱۳۲۱ مطابق ۱۵ دکابر [دسامبر] ۱۹۰۳ م.

انگلیسها در ایران

از تربت حیدری به روزنامه (زاکاسپیسکی آبارزینه) منطبعه عشق آباد تلگراف کرده اند که در شهر مزبور عنقریب قونسولگری انگلیس ایجاد خواهد شد. چون در تربت حیدری دولت انگلیس تبعه ندارد که به جهت حفظ منافع آنها وجود قونسولی لازم باشد معلوم است که ایجاد قونسولگری مزبور برای کارهای تجارتي نیست بلکه برای نظارت به اعمال روسها و به جهت پیشرفت رقابت با روسها. انگلیسیها خیال دارند یک مریضخانه متحرکی هم ایجاد نمایند که در مقابل اطبای روس که قبول عامه پیدا کرده اند از مردم دلربایی نمایند. عقیده روزنامه این

است که به جهت موازنه سیاسی، بر روسیه لازم است تشکیل قونسولگری در تربت حیدری بنماید.



استفاده ایزاری انگلستان و روسیه از توسعه پزشکی و بهداشتی در ایران...

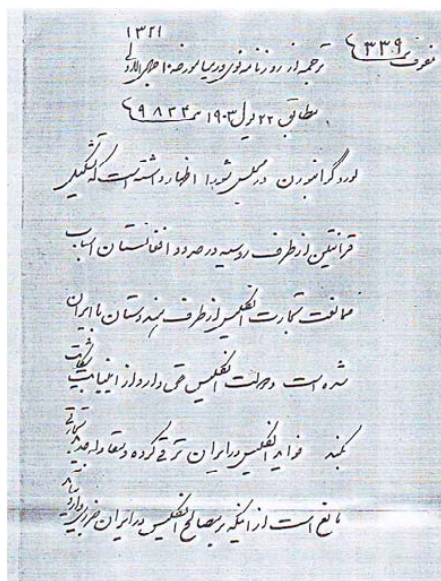
[سند شماره ۵]<sup>۹</sup>

[موضوع سند: انعکاس اظهارات لرد گرانبورن در روزنامه روسی نومی ورمیا مبنی بر محفوظ بودن حق شکایت برای دولت انگلستان به دلیل تشکیل قرنطینه‌های روسیه در مرزهای افغانستان و تأثیر منفی آن بر تجارت انگلیس با ایران]:

ترجمه از روزنامه نومی ورمیا مورخه ۱۰ جمادی الاولی ۱۳۲۱

مطابق ۲۲ یول ۱۹۰۳ نمره ۹۸۳۴

لورد [لرد] گرانبورن در مجلس شورا اظهار داشته است که تشکیل قرانتین از طرف روسیه در حدود افغانستان اسباب ممانعت تجارت انگلیس از طرف هندوستان با ایران شده است و دولت انگلیسی حق دارد از این باب شکایت بکند. فواید انگلیس در ایران ترقی کرده و مقابله جدید تجارتهی مانع است از اینکه بر مصالح انگلیس در ایران ضرری وارد بیاید.



محسن گنج بخش زمانی

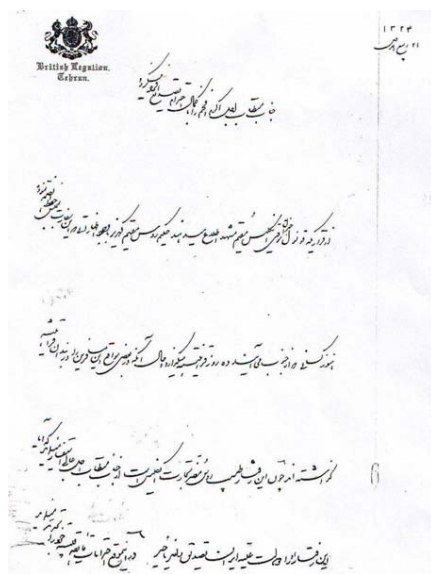
[سند شماره ۶]<sup>۱</sup>

[موضوع سند: اعتراض سفارت انگلیس در تهران بر رفتار پزشک روسی مقیم کهریز و اشاره به تأثیر منفی رفتارهای این پزشک روسی بر تجارت انگلیس]:

۲۱ ربیع الاول ۱۳۲۴ سفارت انگلیس در تهران

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می گردد

از قراری که قونسول جنرال موقتی انگلیس مقیم مشهد اطلاع می‌دهند حکیم روس مقیم کهریز با وجود اظهاراتی که این سفارت به مجلس حفظ الصحة نموده هنوز کسانی که از جنوب می‌آیند ده روز قرنطینه می‌گذارد و حال آنکه در بعضی مواقع این مسافرین را دربندان قرنطینه گذاشته‌اند. چون این رفتار طیب روس مضر تجارت انگلیس از جناب مستطاب اجل عالی استفسار می‌نماید که آیا این رفتار او را دولت علیه ایران تصدیق دارند یا خیر. در این موقع احترامات فایقه قلبیه خود را تجدید می‌نماید.



استفاده ابزاری انگلستان و روسیه از توسعه پزشکی و بهداشتی در ایران...

### [سند شماره ۷]<sup>۱۱</sup>

[موضوع سند: درخواست صدور دستورالعمل برای حکمران قاین جهت انتصاب دکتر واتسن انگلیسی به‌عنوان پزشک متکفل امور قرنطینه در قاین همانند همتای روسی مقیم در قاین]

این سند امتیازگیری و رقابت دو دولت روس و انگلیس در امور بهداشتی ایران را نیز بازگو می‌نماید:

۲۱ ربیع الاول ۱۳۲۴ سفارت انگلیس در تهران

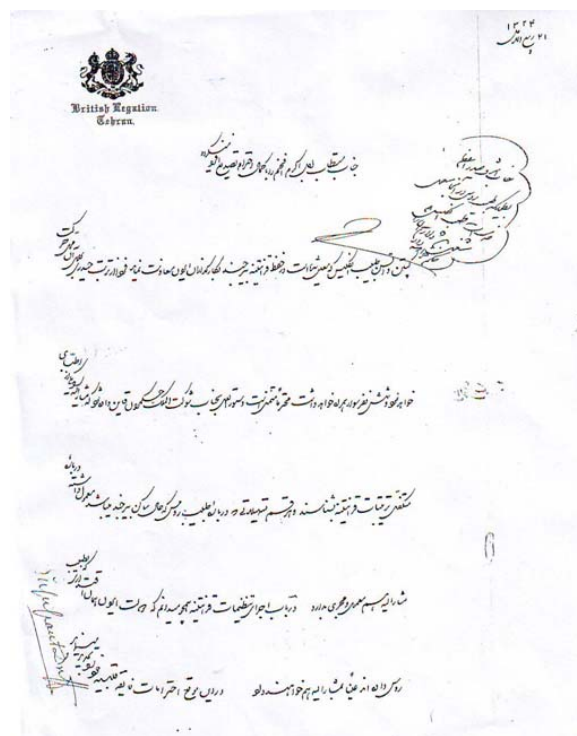
جناب مستطاب اجل افخم را با کمال احترام تصدیق افزا می‌گردد

کاپیتان واتسن طبیب انگلیس که معین شده است در حفظ قرانتینه بیرجند به کارگزاران ایران معاونت نماید فردا از تربت حیدری برای آن محل خواهد نمود و شش نفر سواره همراه خواهد داشت. محترماً متمنی است دستورالعمل به جناب شوکت‌الملک حکمران قاین داده شود که مشارالیه را یکی از اطبای متکفل ترتیبات قرانتینه بشناسند و هر قسم تسهیلاتی که درباره‌ی طبیب روس که حال ساکن بیرجند می‌باشد معمول داشته درباره‌ی مشارالیه هم معمول و مجری بدارد. در باب اجرای تنظیمات قرانتینه همچو می‌دانم که دولت ایران همان اقتداری به طبیب روس داده‌اند عیناً به مشارالیه هم خواهند داد. در این موقع احترامات فایقه قلبیه خود را تجدید می‌نماید.

[پانوشت]:

جناب اشرف صدر اعظم

به طوری که طبیب روس در آنجا مشغول خدمت است طبیب انگلیس هم مشغول باشد ... آن را حکم خواهند داد.



[سند شماره ۸]<sup>۱۲</sup>

[موضوع سند: درخواست انجام تحقیقات پیرامون حضور دو پزشک مسیحی و تلاش‌های آنها برای دعوت مسلمانان به مسیحیت]:

نمره ۱۴۷۳ اصفهان

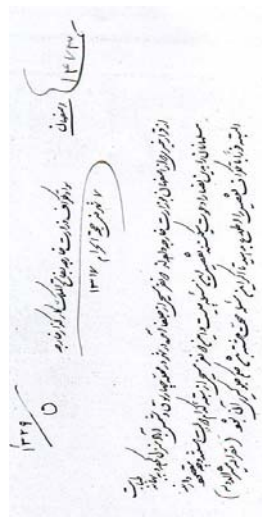
سواد تلگراف وزارت خارجه به فاتح الملک کارگزار خارجه

۷ شهر ذی حجه الحرام ۱۳۱۷

از قرار خبری که از اصفهان به وزارت خارجه داده‌اند [،] دو نفر مسیحی از جلفا آمده در شهر در محله چهار سوق و شمس‌آباد منزل کرده و به بهانه طبابت مسلمانان را به دین نصارا دعوت می‌کنند [۰]. تفصیل این مسأله چیست و این دو

استفاده ابزاری انگلستان و روسیه از توسعه پزشکی و بهداشتی در ایران...

نفر مسیحی از تبعه کدام دولت هستند و چه مقصود دارند [۰]. البته فوراً با تلگراف تفصیل را اطلاع بدهید تا اگر مسأله صحت داشته باشد حکم جلوگیری آن بشود. (نصراله مشیرالدوله)



دخالت‌های روسیه در امور بهداشتی و پزشکی ایران

[سند شماره ۹] ۱۳

[موضوع سند: اعتراض سفارت روسیه به انتخاب عبدالحمید خان یمین در جریان عهده‌داری ریاست حفظ الصحه در سیستان]:

سفارت دولت امپراطوری روسیه

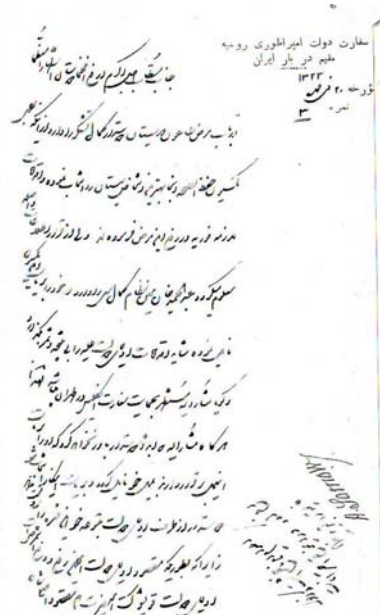
مقیم دربار ایران

مورخه ۲۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۳

نمره ۳

جناب مستطاب اجل اکرم ارفع افخم دوستان استظهارا معظما

در باب مرض طاعون در سیستان دوستدار کمال تشکر را دارد از اینکه برای کمیسیون حفظ الصحة آنجا بهترین اشخاص سیستان را انتخاب نموده و اقدامات لازمه فوریه در رفع این مرض فرموده‌اند ولی از قرار اطلاعات واصله معلوم می‌گردد عبدالحمید خان یمین نظام کمال سعی را دارد که خود را به ریاست این کمیسیون نایل نموده شاید اقدامات اولیای دولت علیه را بی نتیجه و ثمر بگذارد و گویا مشارالیه مستحضر به حمایت سفارت انگلیس در طهران می‌باشد. لهذا هرگاه مشارالیه که ابداً دوستدار باور نخواهد کرد که او را به ریاست این عمل برقرار دارند، به میل خود نایل گردد و به ریاست این کار انتخاب شود. دوستدار از طرف اولیای دولت متبوعه خود این فقره را پروتست می‌نماید زیرا که به طوری که مقصود اولیای دولت ایران رفع و دفع این مرض است، اولیای دولت قوی شوکت اعلیحضرت هم مقصود اصلیشان اعدام این ناخوشی است که بزودی رفع گردد. در این موقع احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.



[سند شماره ۱۰]<sup>۱۴</sup>

[موضوع سند: تهدید روس‌ها با رویکردی آمرانه جهت انجام اقدامات بهداشتی در مشهد و اعلام آمادگی برای اعزام یک پزشک روسی در کنار پزشکان ایرانی اعزامی بیرجند]:

۱۱ فوریه ۱۹۰۶م.

مسیو دو سوموف سارژ دافر دولت روس به من اظهار داشته است که اگر دولت علیه اقدامات مؤکده حفظ الصحی برای جلوگیری بروز طاعون در مشهد به عمل نیامورد، دولت روس مجبور خواهد شد که سرحد خراسان را مسدود کند.

بنابراین عقیده من این است که دولت ایران باید در شهرهایی که در سر راه سیستان به مشهد واقع‌اند از قبیل بیرجند و قاین و بجستان و تربت حیدری و همچنین در تربت شیخ جام که سر راه دیگر سیستان به مشهد واقع است چند توقفگاه ترتیب دهد که کاروان‌هایی که از طرف جنوب می‌آیند ملاحظه نموده اشخاص سالم عبور داده شوند و اشخاصی که احتمال مرض در آنها می‌رود توقیف گردند.

برای هر یک از این مواقع یک طبیب و چند نفر سوار و چند سرباز لازم است. از قراری که مسیو دو سوموف اظهار داشت دولت روس حاضر است یک نفر طبیب برای توقیف‌گاه بیرجند بفرستد. به نظر من قبول این اظهار خیلی خوب است ولی باید علاوه بر آن چند نفر طبیب ایرانی هم معین کرد که از اهل همان نقاط باشند.

اگر حضرت اجل هم در این عقیده با بنده شریک می‌باشند خوب است احکام موکده در این باب صادر فرمایند. مراسم اخلاص کیشی مرا قبول فرمایید.

دکتر شنیدر

fantassins suffiraient.  
 Monsieur de Sotow me dit que le gouvernement russe, serait disposé à envoyer un médecin à Birdjend, il me semble qu'il se rait avantageux d'accepter cette offre aimable, mais il faudrait en outre, désigner un certain nombre de médecins persans, appartenant aux villes d'Espes, où les postes d'observation seraient installés.  
 Si, comme je l'espère, Votre Excellence partage cette manière de voir, je lui serai reconnaissant de vouloir bien donner le plus tôt possible, des ordres pour l'exécution de ces mesures.  
 Veuillez agréer, Excellence, l'assurance de mon respectueux dévouement.

*A. Schneider*

۱۱ فبره ۱۳۰۹  
 سرکار کرمت شاه ناز دولت روس بنی الله در شهرت کوگورج  
 علیه آقامت موکده عنقا الصبی باره دیگر ریزه طامن در مشهد علی  
 نانو دولت روسی غیر فراموش که سره قومان را مستود که  
 باین حدیث منی است که دولت ایران نیز در شهر آنگ در سرایستان  
 برنده واقعه از قیس برنده و قیام و یکسان در تربت حیدر و یکسان  
 در تربت شیخ جام که سر راه دیگر استان برنده واقع است چند وقت که  
 تربت و چه که کارخانه که از طرف تربت میانه ملاحظه اینست نام  
 میور داده و میور و اینها یکی از حال می و اینها میور وقت که  
 بازر یکی از این امرای یک طیب و چند نفر کلاه و چند کلاه نام است  
 از آنرا که سرکار کرمت الله در تربت است در این حالت که فریب  
 باره وقت که بر چند نوبت نیز من قولی این امر الله شیخ است  
 و با این حدود بر آن چند نفر طیب الکلام میست که که از اهل آن  
 میور است  
 اگر حضرت ارحم در این عقبه با بنده شریک میانه وقت است ۱۳۰۹  
 موکده در این باب صادر فرمائید مرام الله می شکر لایحه فرمائید  
 و کرمت

استفاده ایزاری انگلستان و روسیه از توسعه پزشکی و بهداشتی در ایران...

[سند شماره ۱۱] ۱۵

[موضوع سند: روس‌ها، عامل شیوع بیماری در رشت:]

وزارت امور خارجه

نوع مسوده : یادداشت

اداره ترجمه

به تاریخ ۲ ذی حجه ۱۳۳۳

یادداشت به سفارت روس

در جواب یادداشت آن سفارت بهیه مورخ ۱۶ ذی قعدة نمره ۱۷۷ دایر به بروز و ازدیاد مرض وبا در رشت و اطراف آن و لزوم تشکیل کمیسیون صحی در آن نقطه، احتراماً زحمت‌افزا می‌شود که برای عدم سرایت وبا به ایران مکرر وزارت امور خارجه کتباً و شفاهاً از آن سفارت بهیه خواهش نموده است که اتباع خود را به رعایت ترتیبات صحی که از طرف دولت علیه برقرار شده است وادار فرمایند و البته تصدیق خواهند فرمود که اگر این مسؤولیت دولت ایران از طرف آن سفارت بهیه مورد اجابت می‌یافت، رشت و انزلی به مرض مزبور آلوده نمی‌گردید و فعلاً نیز که وبا به رشت و انزلی سرایت کرده، دولت برای جلوگیری از توسعه و شدت آن امر به اقدامات لازمه نموده و به حکمران گیلان دستورالعمل داده است که در تحت نظارت مستقیم خود کمیسینی مرکب از اطبای محل، تشکیل و امور صحیه رشت و اطراف آن را مورد توجه مخصوص قرار دهند و برای تهیه دوا و لوازم این کار نیز اعتبار لازم داده خواهد شد ولی در صورتی که واردین از هر طبقه که باشند رعایت نظامات حفظ الصحه را بکنند البته این اقدام دولت منتج نتیجه خواهد بود والا معلوم است که هر اقدامی بی‌قاعده خواهد گردید.

## نتیجه

با توجه به افزایش کمی و کیفی حضور دو قدرت روسیه و انگلستان در ایران پس از قرن نوزدهم، ما شاهد افزایش حضور پزشکان خارجی به خصوص از این کشورها در ایران می‌باشیم. علاوه بر آن، تأسیس نهادهای بین‌المللی و توسعه قرنطینه‌های مرزی به منظور کنترل بیماری‌های واگیردار در کنار حضور گسترده‌تر شرکت‌های تجاری نظیر کمپانی هند شرقی در کنار عوامل سیاسی حاکم بر آن عصر، موجبات افزایش نقش‌آفرینی بیشتر این دو کشور را در عرصه‌های بهداشتی و پزشکی پدید آورد که برخی از آنها مثبت و برخی دیگر به دلیل تلاش آنها برای افزایش نفوذ در ایران به صورت منفی جلوه‌گر شد که کوشش این نوشتار بر آن بود تا برخی از این تأثیرات را از زبان اسناد قدیمه بازگو نماید.

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- معاهده ای میان ایران و فرانسه بود که بنا بود بر اساس آن یک هیات نظامی از سوی دولت فرانسه به آموزش نظامیان ایرانی بپردازد.
- ۲- وی ولیعهد فتحعلیشاه بود که قبل از مرگ شاه دار فانی را وداع گفت.
- 3- P. Am. Jaubert. Voyage en armenie et en perse, pred d'une notice sur l'auteur par M. S'dillot, paris, E. Ducrocq librairie, et diteur. P.115. <http://www.iptra.ir/vdcjee8iqu.html>. به نقل از.
- 4- Floor W.Public health in Qajar Iran.Washington DC,Mage Publishers, 2004.
- ۵- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۴ - ۱۹ - ۱۳۱۷ ق.
- ۶- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۴ - ۱۹ - ۱۳۱۷ ق.
- ۷- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۴ - ۱۹ - ۱۳۱۷ ق.
- ۸- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۵ - ۵/۱ - ۲۲ - ۱۳۲۱ ق.
- ۹- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۵۵ - ۵/۱ - ۲۲ - ۱۳۲۱ ق.
- ۱۰- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۲۰۶ - ۱ - ۱۹ - ۱۳۲۴ ق.
- ۱۱- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۵۰ - ۱/۱ - ۱۹ - ۱۳۲۴ ق.
- ۱۲- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۶ - ۱۴ - ۱۳۱۷ ق.
- ۱۳- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۷۱ - ۲۰ - ۱۸ - ۱۳۲۳ ق.
- ۱۴- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۰۴ - ۲۰ - ۱۸ - ۱۳۲۳ ق.
- ۱۵- وزارت امور خارجه، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۴۴ - ۵ - ۲۶ - ۱۳۳۳ ق.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

- الگود، سیریل. (۱۳۵۷ش). طب در دوره صفویه (ترجمه: محسن جاویدان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الگود، سیریل. (۱۳۷۱). تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی (ترجمه: باهر فرقانی). تهران: انتشارات امیرکبیر.

تاجبخش، حسن. (۱۳۷۹ش.). تاریخ بیمارستان‌های ایران از آغاز تا عصر حاضر. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

حفیظی، محمدعلی. (۱۳۳۲ش.). راهنمای دانشکده پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی و بیمارستان‌ها و آموزشگاه‌های وابسته. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نبی‌پور، ایرج. (۱۳۸۶ش.). پیش‌درآمدی بر تاریخ پزشکی خلیج فارس. تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.

هدایتی، سید جواد. (۱۳۸۱ش.). تاریخ پزشکی معاصر ایران (از تأسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی). تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.

(ب) منابع لاتین

Lorimer JG. Gazetteer of the Persian Gulf.  
 Erdemir AD; Oncei O. Development of the foundations of Quarantine in Turkey in nineteenth century and its place in the public health. JISHIM.2003.

#### یادداشت شناسه‌ی مؤلف

محسن گنج‌بخش زمانی: کارشناس ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر گروه تاریخ پزشکی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

نشانی الکترونیکی: mzamani7@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۳/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۶/۱۵